

تقدیرنامه‌ای برای مردان بی‌مدت

یار نارنجی پوش

فاطمه شهنساری:

«یار نارنجی پوشم گل‌جومه نارنجی پوشم...» این ترانه با صدای بلند از سیستم حرفه‌ای یک خودروی اسپرت در سیرجان شنیده می‌شد در حالی که نایلون زباله‌ای روی کاپوتش قرار داشت و با سرعت در خیابان جولان می‌داد!

در نهایت هم در یک لایی و دستی سر اولین پیچ، زباله‌ها پرت می‌شوند وسط چهارراه و نایلون پاره و محتوایش پهن می‌شود میان گذرگاه عمومی!

چهره‌ای کثیف و زشت و بدبو برای شهری که فرهنگ نوکیسگی در آن غوغا می‌کند. در این تاخر فرهنگی شهروندان به سوار ماشین خوب شدن و سیستم پخش خوب داشتن اهمیت می‌دهند اما برای پاکیزگی محیط عمومی و بهداشت و زیبایی چهره‌ی شهری - که

حتا اگر اهل آنجا نیستند، دست کم فعلن در آن سکونت دارند. پشیزی ارزش قائل نیستند! این میان پیک‌های بهداشت شهرداری و رفتگران زحمت‌کش می‌مانند که باید جور عقده‌گشایی‌های این قبیل شهروندان ناشهروند را بکشند و زحمت‌شان صدچندان‌تر بشود و دستانشان زمخت‌تر و کمرشان خمیده‌تر.

همه‌ی ما هم در ایجاد این فرایند نابرابر به نوعی مقصریم. از شهرداری که نسبت به هزینه کردن برای تولیدات ویدیویی- کتابچه‌ای در رستای فرهنگ‌سازی در این زمینه بخل می‌ورزد و بودجه‌ای اختصاص نمی‌دهد یا سطل آشغال‌های کوچک در معدودی را فقط در برخی پیاده‌روهای شهر نصب کرده است

تا گروه‌های رفتگر طبیعت که ناخواسته برای هر آیین و مراسمی مروج این فرهنگ غلط بوده و هستند که در ضمیر ناخودآگاه مردم این پیام را بنشانند که «شما ریخت و پاش کنید، ما جمع می‌کنیم.»

به جای اینکه این گروه‌های مروج مسئولیت‌پذیری شهروندی و فرهنگ درست شهروندی باشند، سال‌ها کارکردی وارونه‌ی مفهوم خود عمل کرده‌اند.

گفتم همه مقصریم. از من و شمای شهروند معمولی که حاضر نیستیم زباله‌هایمان را سر وقت مقرر در خانه بگذاریم تا حیوانات پخش و پلاشان نکنند تا بخش خدمات شهری در شورا و شهرداری که قادر به پوشش کامل کل شهر به صورت یک شب در میان نیستند و تازه حالا دنبال

